

ماهیت حقوقی برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)^۱

سمانه کافتري

چکیده

"برجام" برنامه جامع اقدام مشترک ایران و گروه ۵+۱ است که طی آن، پرونده هسته‌ای ایران، موضوع مذاکره و رایزنی قرار گرفته تا موافقت‌نامه پادمان به صورت کاملاً اختصاصی در خصوص ایران مورد توافق قرار گیرد. ناگفته واضح است که قبل از هر بحث و نتیجه‌گیری باید ماهیت حقوقی این موافقت‌نامه مورد بررسی قرار گیرد تا در سایه آن، سایر آثار و نتایج متعاقب، مورد بحث و بررسی بیش‌تر صاحب‌نظران باشد. پس از مباحثات فراوانی که میان دولت و مجلس شورای اسلامی در خصوص ماهیت این سند در گرفت، در نهایت، مجلس طی طرحی اجرای برجام را به صورت مشروط تجویز نمود. در این نوشتار به این موضوع می‌پردازیم که آیا برجام یک معاهده بین‌المللی است یا یک موافقت‌نامه سیاسی و نزاکتی؟ اهمیت این موضوع زمانی است که به رغم تعیین تکلیف اجرای برجام در ایران و ایالات متحده، همچنان برخی تردید دارند که ماهیت تعهدات مندرج در برجام الزام‌آور است یا خیر و این که نسبت این سند و تعهدات مندرج در آن با قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت چیست؟

واژگان کلیدی: حقوق بین‌الملل، برجام، معاهده، موافقت‌نامه نزاکتی، برنامه

هسته‌ای ایران.

۱. سمانه کافتري، دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران پردیس فارابی.

مقدمه

برای نخستین بار در تاریخ مدرن حقوق بین‌الملل، یک کشور جهان سوم، رو به روی چند کشور پیشرفته قرار گرفت و از موضعی برابر با یکدیگر سخن گفتند و این خود یک امتیاز و نوآوری است که در جهت بومی‌سازی و اختصاصی بودن موافقت‌نامه پادمان نصیب جمهوری اسلامی ایران گردیده است؛ به رغم این که به موجب قواعد بین‌المللی حوزه خلع سلاح، هیچ کشوری مجبور نیست هیچ یک از محدودیت‌های فعلی ایران را بپذیرد، با این حال پذیرش آن از سوی ایران گویای نقش عظیم عزم سیاسی این کشور در حل و فصل اختلافات بین‌المللی است.

برجام، آن گونه که در مقدمه صراحتاً ذکر شده، بازتاب یک فرآیند گام به گام، طی سال‌ها مذاکره^۱ و مشتمل بر تکالیف متقابل به نحو مندرج در این سند و پیوست‌های آن می‌باشد که قرار است توسط شورای امنیت مورد تأیید قرار گیرد و اجرای کامل برجام موجب حصول اطمینان از ماهیت صرفاً صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران خواهد شد. ایران مجدداً تأیید می‌کند که هیچ گاه و تحت هیچ شرایطی در پی سلاح‌های هسته‌ای، تولید و یا به دست آوردن آن‌ها نخواهد بود.^۲

تأکید بر لزوم بررسی برجام در مجلس، در کنار موضع‌گیری‌های رسانه‌ای و مطبوعاتی، اتخاذ رویکردهای روشن و مرتبط با منافع کشور را در زمینه این مسئله به یک ضرورت تبدیل نموده، تأکیدات لازم قانونی نیز بر این مساله افزوده شده و صلاحیت مجلس

Iran's Nuclear Program: Tehran's Compliance with International obligations, CRS Report R40094, by Paul K. Kerr, 11 November 2013.

2. This JCPOA, reflecting a step-by-step approach, includes the reciprocal commitments as laid down in this document and the annexes hereto and is to be endorsed by the United Nations (UN) Security Council. Joint Comprehensive Plan of Action Vienna, 14 July 2015

محترم دربررسی برجام، ذیل اصل ۷۷ قانون اساسی تعریف شده است. در کنار این موارد، گاه با اشاره به اصل ۱۲۵ قانون اساسی، و نیز تصویب مجلس، موارد مذکور در اصل ۷۷ پس از امضاء، وظیفه ریاست جمهوری بر شمرده شده است. در هر حال، قبل از هر چیز باید ابتدا ماهیت حقوقی این سند بررسی و تعیین گردد تا بتوان در خصوص سایر آثار و نتایج برجام در پرتو ماهیت حقوقی آن پاسخ مقتضی ارائه نمود.^۳

بررسی و تبیین ماهیت حقوقی سند برجام

ادبیات برجام در متن‌های زیر که عیناً عبارات برجام است، قابل توجه می‌باشد. خصوصاً در مواردی که حقوق و تعهدات طرفینی را برمی‌شمرد:

اجرای موفقیت آمیز برجام ایران را قادر خواهد کرد به طور کامل حق خود بر انرژی هسته‌ای جهت مقاصد صلح آمیز را طبق مواد ذیربط معاهده عدم اشاعه هسته‌ای و همسو با تعهداتش در آن سند استیفا کند و در نتیجه با برنامه هسته‌ای ایران همچون برنامه هر دولت دیگر غیر دارنده سلاح‌های هسته‌ای عضو معاهده عدم اشاعه رفتار خواهد شد.

برجام موجب لغو جامع کلیه تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد و همچنین

۱. اصل هفتاد و هفتم: عهدنامه‌ها، مقاله نامه‌ها، قراردادها و موافقت نامه‌های بین المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

۲. اصل یکصد و بیست و پنجم: امضای عهدنامه‌ها، مقاله نامه‌ها، موافقت نامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولت‌ها و همچنین امضای پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با رئیس جمهور یا نماینده قانونی او است.

3Iran is a party to the nuclear Non Proliferation Treaty (NPT) and has concluded a comprehensive safeguards agreement with the IAEA. Such agreements are designed to enable the IAEA to detect the diversion of nuclear material from peaceful purposes to nuclear weapons uses, as well as to detect undeclared nuclear activities and material. For more information, see “CRS Report R40094, Iran’s Nuclear Program: Tehran’s Compliance with International Obligations, by Paul K. Kerr”.and also see “Iran Nuclear Agreement, CRS Report R R43333, by Kenneth Katzman and Paul K. Kerr, July 30, 2015”. Available at: <https://www.iaea.org/press>.

4Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA)

تحریم‌های چندجانبه و ملی مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران و نیز شامل گام‌هایی برای ایجاد دسترسی در حوزه‌های تجارت، فناوری، مالی و انرژی خواهد شد.¹
در این زمینه پاسخ به این سؤال که ماهیت حقوقی برجام چیست اهمیتی ویژه می‌یابد و باید روشن شود که:

- برنامه جامع اقدام مشترک، یک معاهده، موافقتنامه یا یک تعهد ساده بین‌المللی است؟
- قرائت مشترک طرفین از متن برجام که ملاک انطباق آن بر هر یک از نام‌هایی است که عرف حقوقی ما را به نوع آن متعهد می‌کند، چه بیانی را ارائه می‌کند؟
- آیا اراده هر یک از طرفین می‌تواند بر رویکردی مجزا، مثلاً معاهده یا مبتنی بر نظر مجلس و یا دستور اجرایی رییس جمهور قرار گیرد در حالی که طرف مقابل آن رویکرد را رد می‌کند؟

و در نهایت این که ما با چه مقوله‌ای رو به رو هستیم: معاهده،² مقوله نامه،³ توافق تصویب شده،⁴ توافق امضاء شده،⁵ یادداشت تفاهم،⁶ تمایل نامه،⁷ و یا مقولات متفاوت و متغیر دیگر؟ و نقش مجلس قانونگذاری از منظر حقوقی در مقابل این متن چیست؟
پاسخ به این سؤالات از دو طریق رویکرد حقوقی و رویکرد سیاسی ممکن است. در مقاله حاضر، به بررسی رویکرد نخست می‌پردازیم. نخستین سؤالی که در این زمینه ضرورت طرح می‌یابد، این موضوع است که آیا برجام، یک تعهد الزام آور بر مبنای حقوق بین‌الملل است، یا تعهدی است غیر الزام آور در چارچوب تعهدات بین‌المللی، و یا آن که مقوله ثالثی است؟

1 This JCPOA will produce the comprehensive lifting of all UN Security Council sanctions as well as multilateral and national sanctions related to Iran's nuclear programme, including steps on access in areas of trade, technology, finance and energy. . Joint Comprehensive Plan of Action Vienna, 14 July 2015

2. treaty

3 Protocol

4 Ratified Agreement

5 Signed Agreement

6 M.O.U

7 L.O.I

۸. حمید ابوظالبی، برجام بر کدامین فرجام؛ بررسی ماهیت حقوقی برجام.

الف) برجام به مثابه یک معاهده بین‌المللی

عمده دیدگاه‌های طرفداران این رویکرد بر مبنای قصد طرفین، ماهیت موافقت‌نامه و مفاد آن است که نمی‌توان بین این سند و معاهده تفاوت اساسی قائل شد و نیز ماهیت الفاظ به کار رفته در سند برجام از نظر این عده، ماهیتی است که الزام و تعهد از متن آن مستقیماً استنباط می‌گردد. همچنین لزوم پذیرش برجام در حقوق داخلی ایران، به عنوان یکی از طرق اعلام رضایت به معاهدات بین‌المللی و نیز پیش‌بینی سازوکار حل و فصل اختلاف در این سند نیز از دلایل قائلین به این نظریه می‌باشد. برای بررسی بهتر، ابتدا باید تعریفی جامع از معاهده ارائه نمود که در کتاب‌های گوناگون حقوق بین‌الملل، تعاریف گوناگونی از معاهده ارائه شده است. عده‌ای معاهده بین‌المللی را بیانگر هماهنگی اراده دو یا چند کشور در تعیین ضابطه‌ای می‌دانند که بتواند مشکلی را در چارچوب روابط بین‌الملل حل کند (کلیبار، ۱۳۶۸:ش ۲۴۶).^۱ در تعریف مشهوری از عهدنامه "هر نوع توافق بین تابعان حقوق بین‌الملل عمومی (Rousseau, 1944, t 1:143)؛" عهدنامه در نظر گرفته شده است. لکن تعریف جامع مورد پذیرش تعداد کثیری از دولت‌ها، در کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹ وین نمود پیدا می‌کند. لذا با ملاک قرار دادن تعریف این کنوانسیون، به بررسی دلایل قائلین به رویکرد معاهداتی بودن سند برجام می‌پردازیم:

۱. مفاد کنوانسیون وین درباره حقوق معاهدات و تعریف آن از معاهده و شباهت

عناصر معاهده در کنوانسیون و برجام:

بند ۱. الف ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در خصوص حقوق معاهدات بیان می‌دارد: «معاهده» عبارت است از یک «توافق بین‌المللی» که «بین دولت‌ها» به صورت «کتبی» منعقد شده و «تحت حاکمیت حقوق بین‌الملل» باشد؛ صرف نظر از عنوان خاص آن و اعم از این که در سندی واحد یا در دو یا چند سند مرتبط به هم منعکس شده باشد. در این تعریف، دیدگاه سنتی حقوق معاهدات آورده شده و معاهده را به عنوان عهد و

۱. کلود آلبر، کلیبار، نهادهای روابط بین‌الملل، ترجمه و تحقیق دکتر هدایت اله فلسفی، شماره ۲۴۶.

پیمان مکتوب دولت‌ها تعریف نموده و از دیگر تابعین حقوق بین الملل سخنی به میان نیاورده است؛ لکن در ماده ۳ تلویحا اعتبار معاهدات میان دولت‌ها با سایر تابعین حقوق بین الملل و نیز معاهدات غیرمکتوب را نیز پذیرفته است (فلسفی، ۱۳۹۳: ص ۱۵۴)!

از جمله آثار مهم مترتب بر صدق عنوان عهدنامه بر یک سند، ایجاد مسئولیت بین المللی دولت متخلف و ناقض در برابر اطراف معاهده است و نیز این که هیچ یک از دولت‌های طرف معاهده نمی‌تواند به بهانه تعارض تعهدات بین المللی با قواعد داخلی خود، از اجرای تمام یا قسمتی از تعهدات خود شانه خالی کند (محبی، ۱۳۷۸: ص ۲۹)؛ اگرچه طبق تعریف، عنوان توافق و تعداد اسناد آن موثر در موضوع نیست (بیگدلی، ۱۳۸۳: ص ۹)؛^۲ اما از سوی دیگر در برآورد نهایی واژه عهدنامه در خصوص اسنادی باید به کار رود که کتبا بین دولت‌ها منعقد شده و مشمول حقوق بین الملل باشد. در تبیین ویژگی‌های معاهده، داشتن نتایج حقوقی برای اطراف معاهده نیز شرط است که ویژگی الزام آوری برای طرفین داشته باشند (غمامی و نصرالهی، تابستان ۱۳۹۳: ص ۹۲)؛

آنچه از مقایسه این تعریف با مفاد و ویژگی‌های برجام حاصل می‌شود این است که برجام - صرف نظر از عنوان آن - توافقی است که بین ایران و گروه ۵+۱ و با حضور نماینده اتحادیه اروپا منعقد گردیده. نکته حائز اهمیت این است که در این توافق هم کشورها حضور داشته‌اند و هم سازمان‌های بین‌المللی. یعنی ۵ کشور عضو دائم شورای امنیت و نیز نماینده اتحادیه اروپایی در این توافق حاضر بوده و نقش مستقیم داشته‌اند.

۱. هدایت اله فلسفی، حقوق معاهدات، ص ۱۵۴.

۲. محبی، محسن، بیانیه الجزایر و دیوان داوری دعاوی ایران-ایالات متحده، ص ۲۹.

۳. محمدرضا ضیایی بیگدلی، حقوق معاهدات بین المللی، ص ۹.

۴. تحلیل حقوقی ماهیت و اعتبار برنامه اقدام مشترک با تأکید بر اصل حاکمیت قانون اساسی، سید محمد

مهدی غمامی، علیرضا نصرالهی نصرآباد، فصلنامه دانش حقوق عمومی، ص ۹۲.

علمای حقوق برای توجیه اختیار سازمان‌های بین‌المللی در عقد معاهدات رسمی از مفهوم شخصیت حقوقی، نظریه اختیارات ضمنی و نظریه اراده صریح یا ضمنی دولت‌های بنیانگذار سازمان‌های بین‌المللی استفاده نموده‌اند (فلسفی، ۱۳۹۳: ص ۱۵۷)؛^۱ لکن گروه ۵+۱ یک سازمان بین‌المللی محسوب نمی‌شود که دارای شخصیت حقوقی مستقل تصور گردد، بلکه یک گروه غیررسمی است و مشکل بودن و عدم سابقه تاریخی توجیه اختیار یک گروه غیررسمی برای انعقاد معاهده بین‌المللی، می‌تواند تشکیک در وجود یکی از عناصر مورد نیاز برای ایجاد معاهده بین‌المللی محسوب گردد.

از طرفی، این موافقت نامه در مقام اثبات، به وضوح به شکل کتبی است و تبادل اسناد مقوم موافقت نامه بین طرفین نیز رسماً صورت پذیرفته است. نکته قابل تامل در این مسئله عدم تعیین امین برای معاهده است که عده‌ای این عدم تعیین امین را دلیلی بر عدم شمول عنوان معاهده بر برجام عنوان می‌کنند. لکن باید در نظر گرفته شود که طبق ماده ۱۶ کنوانسیون حقوق معاهدات وین، تودیع اسناد نزد امین، یکی از اشکال مبادله اسناد مقوم معاهده می‌باشد که در جهت سهولت امر در مواردی که کشورهای عضو معاهده متعدد باشند، مورد استفاده قرار می‌گیرد و استفاده از طریقه سنتی تبادل اسناد بین خود کشورهای عضو که در ماده ۱۶ نیز ذکر شده، نمی‌تواند دلیلی برای تشکیک در ماهیت معاهده تلقی شود. از طرفی دیگر برجام موافقت نامه‌ای است منعقد شده میان ایران و گروه ۵+۱ و این موافقت نامه تنها دو طرف دارد. لذا معاهده چندجانبه محسوب نمی‌شود تا به تعیین امین و تودیع اسناد نزد وی ضرورتی داشته باشد.

برای تحقق شرط تحت حاکمیت حقوق بین‌الملل بودن، دولت‌ها لزوماً می‌بایست این قصد را داشته باشند که متن توافق شده بر آن باید قانوناً الزام آور باشد. به عبارت دیگر،

countries (the U.S., U.K. France, Germany, Russia, and China), along with the EU, announced completion of a comprehensive nuclear agreement with Iran—otherwise known as the Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA). The Iran Nuclear Deal, A Definitive Guide, Belfer Center for Science and International Affairs, Harvard Kennedy School, August 2015.

۱. هدایت اله فلسفی، حقوق معاهدات، ص ۱۵۷.

طرفین می‌باید قصد التزام داشته باشند تا دولت‌ها براساس متن امضایی و طبق حقوق بین‌الملل موضوع حقوق و تکالیف قرار گیرند. البته قابل ذکر است که اگر یک متن مشمول حقوق بین‌الملل و ذیل آن تلقی شود، نقض آن نیز نقض یک نقض بین‌المللی خواهد بود که موجب تحقق مسئولیت بین‌المللی دولت بوده و دولت خاطی به توقف، عدم تکرار، و جبران خسارت موظف می‌گردد. به علاوه، دولت زیان دیده (دولتی که نقض تعهد نسبت به او انجام شده) به اقدام متقابل مجاز خواهد بود. از این رو، دولت‌ها در تلقی یک متن امضایی به عنوان معاهده، کنوانسیون، توافقنامه بین‌المللی و... بسیار محتاطانه عمل می‌کنند. اعطای حق بررسی این تعهدات به مجالس کشورها نیز به موجب مسئولیت‌های برآمده از شمول حقوق و تعهدات بین‌المللی صورت پذیرفته است.

رویه عمومی کشورها نشان داده که انعقاد قراردادهای رسمی در قالب معاهدات بین‌المللی در همه موارد راهگشا و مکفی نخواهد بود، لذا کشورها در موارد بسیاری به انعقاد موافقت‌نامه‌های غیرالزام آور اقدام می‌نمایند که موجب تعهداتی با ماهیت صرفاً اخلاقی یا سیاسی هستند. خصوصیت مهم این توافق‌ها آن است که هیچ‌گونه الزام حقوقی برای طرف‌های آن در پی ندارد. در معاهدات، تعهدات حقوقی تابع حقوق بین‌الملل بوده و در قراردادهای بین‌المللی این تعهدات تابع نظام‌های حقوق داخلی قرار می‌گیرند (Widdow, 1997, pp144-149). این توافقات غیر الزام آور، دارای ضمانت اجرای حقوقی به معنای تحقق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها نخواهند بود؛ اگرچه می‌توانند ضمانت اجرای سیاسی و اخلاقی بسیار قوی داشته باشند، که امکان تخطی دولت‌ها و یا انگیزه آن‌ها برای تخطی را از بین ببرند؛ ولو آن که متن قانوناً الزام آور نباشد. به عبارت دیگر، می‌بایست بین الزام قانونی داشتن^۱ و لازم الاجرا بودن^۲ یک توافق بین دو کشور، تمایز قائل شد؛ چراکه یکی، در صورت نقض به معنای نقض حقوق و تعهدات بین‌المللی و از

1 K. Widdows, "What Is an Agreement in International Law"?, The British Yearbook of International Law, 1979,

Vol. 50(1), pp. 144-149.

2Legally binding

3Enforceable

اسباب تحقق مسئولیت بین‌المللی دولت‌هاست، درحالی که دیگری، با ضمانت اجراهای تعیین شده از سوی طرفین رو به رو خواهد بود(ابوطالبی)!

البته، دقیقاً همین جاست که اختلاف در انطباق و یا تفاسیر گوناگون هم می‌تواند سرآغاز مشاجره و تنازع گردیده و مشکلات آغاز شوند؛ به نحوی که حتی درتفسیر هم نتوان به نتیجه روشنی رسید. در این خصوص، لزوماً باید بررسی شود که طرفین چه قصد و نیتی حین نگارش توافق داشته‌اند و یا از رویه بعدی آن‌ها و قواعد داخلی تفسیر قوانین طرفین، این برداشت صورت گیرد.

این جاست که نهادهای دیگری به ذهن متبادر می‌شود و این تشکیک را به وجود می‌آورد که آیا برجام می‌تواند ویژگی‌های یک مقاله نامه^۱ یا یک موافقت نامه^۲ را داشته باشد؟ در تعریف مقاله نامه، عموم استادان حقوق بین‌الملل به این نکته اشاره می‌کنند که این نهاد حقوقی عموماً برای بیان اراده مشترک کشورها در قبول قواعد عام حقوق بین‌الملل به کار می‌رود و تقریباً کلیه توافق‌های بین‌المللی در چارچوب ملل متحد زیرمجموعه این نهاد قرار می‌گیرند (بیگدلی، ۱۳۸۳:ص ۱۵)؛ از سوی دیگر، عده‌ای مقاله نامه را به پیش نویس‌های گفت و گوهای مراحل مقدماتی ایجاد روابط سیاسی که باید در نهایت به امضای طرفین برسند، اطلاق نموده‌اند (یزدی، ۱۳۷۵:ص ۴۵۸)؛ اما معنای مورد نظر مقنن در بخش پایانی طرح اصل ۶۵ پیش نویس قانون اساسی اینگونه بیان شده است: "قراردادهایی که به صورت بین‌المللی منعقد می‌شوند و دیگران به تدریج به آن می‌پیوندند." بنا بر تعریفی که قانون اساسی از مقاله نامه ارائه نموده، اینگونه اسناد منشأ بین‌الدولی ندارد و در جهت قبول قواعد عام حقوق بین‌الملل منعقد

۱. برجام بر کدامین فرجام؛ بررسی ماهیت حقوقی برجام - حمید ابوطالبی.

2Concord

3Accord

۴. ضیایی بیگدلی، حقوق معاهدات بین‌المللی، ص ۱۵.

۵. محمد یزدی، قانون اساسی برای همه، ص ۴۵۸.

۶. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، ص ۸۶۵.

می‌گردد (غامی و نصرالهی نصر آباد، تابستان ۱۳۹۳: ص ۹۲). لذا با تعریف ارائه شده از مقاوله نامه، واضح است که برنامه جامع اقدام مشترک، به دلیل غلبه جنبه قراردادی دو یا چند جانبه آن مابین ایران و گروه ۵+۱ نمی‌تواند مقاوله نامه باشد.

در تعریف موافقت نامه نیز گفته می‌شود سندی است دو یا چند جانبه میان تابعان حقوقی بین‌الملل که حاوی مقررات درجه دوم اجرایی، اداری و فنی است. بدین معنا که در معنای عام می‌توان گفت موافقت نامه، توافقی است که به منظور دستیابی و اجرای اقدامات مشخص صورت می‌گیرد.^۱ به این معنا، برنامه جامع اقدام مشترک، می‌تواند یک موافقت نامه بین‌المللی در مفهوم موسع آن تلقی شود.

نکته دیگر این که طبق کنوانسیون وین، معاهده، سندی است که تعهدآور باشد؛ اما برجام تعهدآور نیست چون در جهت لغو یا محدود کردن تعهدات شورای امنیت است. نه ایجاد تعهد جدید در واقع منشأ تعهدات ایران، ناشی از مصوبات شورای امنیت است نه برجام. به عنوان مثال در قطعنامه شورای امنیت تصویب شده که ایران حق توسعه غنی‌سازی ندارد و آن را ممنوع کرده است. پس در حقیقت، امر توقف توسعه غنی‌سازی بر مبنای برجام نیست، بلکه به دلیل پذیرش معاهده منع گسترش سلاح‌های اتمی از سوی ایران و تصویب آن در نهاد قانونگذاری به مثابه قانون و نیز بر اساس قطعنامه شورای امنیت بوده، در نتیجه به موجب برجام، نه تنها تعهد جدیدی برای ایران ایجاد نشده، بلکه به موجب برجام تعهدات و الزامات ایران به حداقل ممکن کاهش یافته و در مقابل امتیازات و حقوق اقتصادی و سیاسی را تأمین نموده است. بخش اول برجام که الزامات را از دوش ایران برداشته، نه تنها جنبه تعهدآوری ندارد، بلکه تعهد زدایی است. بخش دوم برجام نیز که حقوق و امتیازات گوناگونی را به نفع ایران تحصیل کرده، موجد حق است و نه تکلیف و مقررات تعهدآور.

۱. سید محمد مهدی غمامی، علیرضا نصرالهی نصرآباد، تحلیل حقوقی ماهیت و اعتبار برنامه اقدام مشترک با تأکید بر اصل حاکمیت قانون اساسی، فصلنامه دانش حقوق عمومی، ص ۹۲.

۲. رضا موسی زاده، حقوق معاهدات بین‌المللی، ص ۴۳.

در ادامه تعریف معاهده، ذیل ماده ۲ تأکید می‌شود توافقی که همه ویژگی‌های مذکور را داشته باشد، صرف نظر از عنوان خاص آن از نظر کنوانسیون حقوق معاهدات وین، یک معاهده تلقی می‌گردد. حال طرفین هر عنوانی بر توافق گذاشته باشند، از نظر این کنوانسیون فاقد اعتبار بوده و تحت شمول عنوان معاهده قرار می‌گیرد.

۲. صراحت واژگان به کار رفته در متن برجام در ایجاد تعهد و به ویژه همسانی معانی لغوی واژه‌ها از حیث تعهدآور بودن به لحاظ حقوقی که مجری و مفسر را از رجوع به قصد و نیت طرفین بی‌نیاز می‌سازد؛

برخی استادان با این استدلال که در جایی که الفاظ متن صراحت داشته باشند، رجوع به قصد و نیت فاقد وجاهت است و در حقوق معاهدات آنچه تعیین کننده است، رضاست و نه صرفاً قصد و نیت، هر چند مبنای هر قصدی، میل و رضای درونی است و متن برجام بر یک سلسله تعهدات حقوقی طرفین مبتنی است و چون متن در این خصوص صراحت دارد؛ رجوع به قصد و نیت معنی ندارد؛ برجام را یک معاهده لازم الاتباع معرفی می‌نمایند (بیگدلی، ۱۳۹۴).

الفاظی که در متن برجام از آن‌ها استفاده شده، تشابه معنایی زیادی به یکدیگر دارند و همه آنها به گونه‌ای دارای بار تعهدآوری و التزام در قبال تعهدات طرفینی می‌باشند. الفاظ *will, commitment, obligation, non compliance, agree, undertake, violation*... اینک در برجام از فعل *will* استفاده شده نه فعل *shall* فی نفسه از درجه التزام و تعهد به متن نمی‌کاهد و صرف کاربرد این فعل در متن برجام، کل متن را به یک توافق نشریفاتی تبدیل نمی‌کند. البته در مواردی هم از فعل *will* استفاده نشده و از واژه‌هایی چون *agree, implementation* و *undertaken* که بر الزام حقوقی دلالت دارند نیز استفاده نموده است.

از این رو، در یک توافق حقوقی بین‌المللی امکان دارد تعهداتی وجود داشته باشد که حداقل مستقیماً تعهد از آن استنباط نشود؛ مانند آنچه در مورد قواعد تکمیلی یا

۱. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، نشست بررسی ابعاد حقوقی برجام ۱۴ مرداد ۱۳۹۴.

اختیاری در حقوق داخلی داریم. اما برعکس آن امکان ندارد؛ یعنی نمی‌توان یک موافقت نامه نزاکتی بین‌المللی را در نظر گرفت که تمام قواعد آن تشریفاتی و غیر الزام آور است؛ اما برخی قواعد لازم الاجرا در آن وجود داشته باشد.

عمده استدلال قائلین به رویکرد حقوقی برجام که آن را یک معاهده محسوب می‌کنند، بر این امر استوار است که دو واژه obligation و commitment از نظر معنا و مفهوم هر دو بار معنایی یکسانی دارند و مفهوم تعهد و الزام در هر دوی آن‌ها نهفته می‌باشد. لکن، برای درک بهتر و مستدل تر این دو واژه حقوقی، باید دید بار معنایی این واژه‌ها در سیستم حقوقی کشورهای انگلیسی زبان چیست. در خصوص commitment، فقط و فقط منظور واژگانی است که در برجام به کار رفته‌اند. قطعاً نظام پادمان برای کشورهای عضو معاهده عدم اشاعه داوطلبانه نیست. اما قطعاً درجایی که علی‌الاصول باید از obligation استفاده شود؛ لکن به جای آن، واژه دیگری مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ این امر نمی‌تواند بی دلیل و اتفاقی باشد.

واژه commitment در ادبیات حقوق عمومی ایالات متحده آمریکا و ادبیات موجود در ارتباط با حقوق خلع سلاح معمول بوده و در خصوص عدم الزام آوری حقوقی آن تردیدی وجود ندارد. در این که obligation مترادف commitment است تردیدی نیست؛ اما در واقع امر، چیزی به نام مترادف مطلق در هیچ زبانی وجود ندارد و جایگاه استفاده لغات با هم متفاوتند. اگر به نحوه کاربرد واژه commitment در سند راهنمای وزارت امور خارجه آمریکا در خصوص اسناد غیر الزام آور دقت نماییم، در می‌یابیم

1 Commitment: A warrant, order, or process by which court or magistrate directs ministerial officer to take person to penal institution or mental health facility. ... Commitment proceedings may be either civil or criminal; and voluntary or involuntary. BLACK'S LA W DICTIONARY, HENRY CAMPBELL BLACK, M. A.

2 Obligation: A generic word, derived from the Latin substantive "obligatio," having many, wide, and varied meanings, according to the context in which it is used. That which a person is bound to do or forbear; any duty imposed by law, promise, contract, relations of society, courtesy, kindness, etc.

که این واژه به هیچ عنوان قابل جایگزینی با obligation نیست. ارتباط بین این دو واژه می‌تواند به گونه‌ای از نوع "عموم و خصوص من وجه" باشد؛ یعنی گاهی با هم انطباق دارند و گاهی خیر. مثلاً برای اشاره به تعهدات سیاسی هرگز نمی‌توان از اصطلاح تکلیف سیاسی استفاده کرد.^۱

برجام را می‌توان سندی در حوزه معاهدات خلع سلاح به حساب آورد و به ذکر این نکته نیازی نیست که معاهدات خلع سلاح و کلاً همه امور نظامی از آن جا که با حاکمیت کشورها ارتباط تنگاتنگی دارند. لذا نمی‌توان تنها از طریق یک معاهده بین‌المللی برای این قبیل امور تعهد ایجاد نمود. این قبیل تعهدات، عموماً تعهدات سیاسی هستند که تحت حاکمیت مستقیم قواعد حقوق بین‌الملل قرار نمی‌گیرند.^۲ حال آیا این امر به این معنی نیست که تمامی حوزه خلع سلاح خارج از شمول حقوق بین‌الملل قرار دارد؟ یا اینکه تنها این قسمت از حوزه خلع سلاح خارج از سیطره حقوق بین‌الملل قرار می‌گیرد؟ به عبارتی این تعداد در حوزه‌های تحت شمول حقوق بین‌الملل، سبب چندپارگی و فرگمتیشن در این حوزه نخواهد شد؟

1 political obligations

2 "Memorandum of Understanding" does not mean that the document automatically is considered non-binding for the United States. Also, for the United States, the use of the verb "will" in the text does not necessarily mean that the commitment at issue is not legally binding under international law. Because the use of the term "will" may lead to confusion as to the intention of the participants, the Office of Treaty Affairs generally recommends that this term be avoided in non-binding documents. (Guidance on Non-Binding Documents, look at:

<http://www.state.gov/s/l/treaty/guidance>)

3 Duncan B. Hollis & Joshua J. Newcomer, 'Political' Commitments and the Constitution, Social Science Research Network, p8.

۴. جهت اطلاعات بیشتر در خصوص حوزه خلع سلاح ر.ک:

"A political undertaking is not governed by international law..."

Major Proposals to Strengthen the Nuclear Nonproliferation Treaty, Arms Control Association, A Resource Guide for the 2010 Review conference, March 2010, Cole Harvey with the ACA Research Staff

از آن جا که ماهیت تعهدات دولت‌ها برای خلع سلاح عمدتاً «سیاسی» است، commitment کاربرد بیش تری دارد و این که تحت حاکمیت حقوق بین‌الملل نباشد، ظاهراً به معنای این است که قواعد ثانویه جاری در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها بر آن حاکم نیست. به عبارتی دیگر، ما چیزی به عنوان تکلیف سیاسی نداریم که بر مبنای آن برای دولت خاطی، مسئولیت بین‌المللی لحاظ گردد، بلکه ملاحظات سیاسی فیما بین و خصوصاً اصل مقابله به مثل در روابط طرفینی است که در روابط دیپلماتیک و سیاسی، دو طرف تعهد را به تعهداتشان پایبند می‌نماید.

در این خصوص می‌توان به رویه قضایی موجود در این زمینه، در خصوص رای دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه آلمان علیه ایالات متحده در قضیه لاگران (بیگدلی، ۱۳۹۳: ص ۹۳) که در ۲۷ ژوئن ۲۰۰۱ صادر شد نیز اشاره نمود که ایالات متحده آمریکا از پذیرش تعهد تحت عنوان obligation برای جبران خسارت امتناع نموده و به جای آن واژه commitment را پذیرفته است.^۱ این عدم پذیرش obligation و جایگزین کردن commitment نشان از تفاوت بار معنایی این دو واژه از منظر ایالات متحده دارد؛ والا این تفکیک و تغییر بی معنی خواهد بود.

از سویی می‌توانیم این دو واژه را به تکلیف و تعهد ترجمه نماییم. تعهد می‌تواند نسبت به یک اصل یا به اجرای یک امر باشد ولی تکلیف اساساً ناظر بر اجرای یک امر است. با این توضیح، "عموم و خصوص من وجه" دانستن ارتباط این دو اصطلاح کاملاً منطقی و صحیح به نظر می‌رسد. تعهد، گاهی ناشی از اخلاق یا مواضع سیاسی است که در آن صورت قابل پیگیری نیست و گاهی تعهد ناشی از قرارداد است که تعهدات قراردادی قابل پیگیری هستند. این امر در حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی تفاوتی ندارد؛ مگر در رابطه با مرجع پیگرد قانونی.

۱. محمدرضا ضیایی بیگدلی، آرا و نظریات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری، جلد سوم، ص ۹۳.

2 "Takes note unanimously of the commitment undertaken by the United States to ensure implementation of..."

<http://www.un.org/press/en/2001/icj601.doc.htm>

3Obligation

4Commitment

رویه دبیرخانه سازمان ملل در ثبت معاهداتی که اسناد آن فاقد تعابیر الزام آوری، مانند *treaty, obligation* و سایر لغات مشابه باشد؛ این است که این دسته اسناد را به عنوان معاهده ثبت نمی‌کند و این مسئله را صراحتاً در آرشیو خود در معرض دید دولت‌ها قرار داده است.

3. ضرورت پذیرش مندرج در پیوست پنجم به عنوان یکی از اشکال اعلام رضایت به موجب ماده ۱۱ کنوانسیون حقوق معاهدات وین:

طبق ماده ۱۱ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین، راه‌های مختلفی برای اعلام رضایت به التزام در قبال معاهدات وجود دارد که یکی از آن طرق، پذیرش است. لزوماً در هر موردی نمی‌توان فقط امضا را موجد اثر حقوقی التزام دانست و این که برجام به امضای طرفین نرسیده، دلیل بر این نمی‌شود که این توافق معاهده نباشد؛ چرا که امضا، یکی از اشکال اعلام رضایت طرفین به معاهدات است و سایر طرق اعلام رضایت در ماده ۱۱ کنوانسیون حقوق معاهدات وین ذکر شده‌اند. از طرفی در موارد بسیاری سابقه وجود دارد که معاهده‌ای امضا نشده؛ ولی همچنان فاقد وصف معاهده بودن است؛ مانند بیانیه‌های الجزایر که هرگز به امضای دو دولت ایران و آمریکا نرسیده؛ اما نمی‌توان در معاهده بودن آن خدشه‌ای وارد کرد.

لذا، هر چند مذاکرات ایران و گروه ۵+۱ بدون امضای طرفین، نهایی اعلام شده‌اند و در متن اصلی برجام ضرورتی جهت پذیرش، امضا، تصویب و هرگونه شکل التزام به معاهده پیش بینی نشده؛ لکن ضرورت پذیرش مندرج در پیوست پنجم برجام که نحوه توالی و تقدم و تاخر تعهدات طرفینی را مشخص می‌کند؛ شایان توجه است. از نظر اصول حقوق معاهدات، ضمایم یک قرارداد، جزو آن قرارداد تلقی می‌شوند و ارزش حقوقی یکسانی دارند، مگر آن که خلافی در آن اسناد ذکر شده باشد. از طرفی مبادله اسناد مقوم معاهده نیز یکی دیگر از طرق اعلام رضایت، به التزام در قبال معاهدات است که در ماده ۱۱ ذکر شده که درخصوص برجام این مبادله اسناد به طور کامل صورت گرفته است.

نکته شایان توجه در این خصوص آن است که در پیوست‌های برنامه اجرایی برج‌ام صراحتاً قید شده که این پیوست، صرفاً به منظور مشخص کردن توالی اجرای تعهدات مندرج در این برج‌ام و پیوست‌های آن می‌باشد و دامنه تعهدات مزبور را قبض یا بسط نمی‌دهد! اما باید توجه داشت به صرف تأکید بر پذیرش یک متن یا مبادله اسناد مقوم آن، نمی‌توان به این قائل شد که آن متن یک معاهده است؛ لزوم پذیرش یا سایر طرق اعلام رضایت به التزام در قبال یک توافق نامه، ویژگی منحصر به فرد معاهدات بین‌المللی نیست؛ چرا که همه اسناد، مقاوله نامه‌ها، یادداشت‌های تفاهم و موافقت نامه‌های سیاسی و نزاکتی نیز لزوماً باید در نهایت به نحوی به پذیرش طرفین برسند تا قصد و رضای باطنی، تحقق عینی یابد و بتوان در روابط فی‌مابین به آن موافقت نامه استناد کرده و آن را وارد پروسه عملی نمود.

۴. برخورداری از ضمانت اجرای خاص که همان برگشت‌پذیری تحریم‌هاست و خود قابل تحلیل در چارچوب ماده ۶۰ کنوانسیون می‌باشد:

نظام ضمانت اجرا در برج‌ام برگشت‌پذیری است؛ در برج‌ام یک نوع قانون خودبسنده وجود دارد که در صورت نقض، سبب برگشت‌پذیری خود به خود تحریم‌ها به روز قبل از توافق می‌گردد! این استدلال در مقابل گروهی آورده می‌شود که معتقدند نقض برج‌ام ایجاد مسئولیت بین‌المللی نمی‌کند؛ لذا نمی‌تواند معاهده باشد. به گونه‌ای می‌توان ترتیبات ماده ۶۰ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در خصوص اعلام اختتام یا تعلیق در صورت نقض اساسی معاهده را در مورد برج‌ام جاری دانست.

۵. سازوکار حل و فصل اختلافات فی‌مابین:

در این سند ضمانت اجرایی برای اجرای تعهدات در نظر گرفته شده و حتی کمیسیون مشترکی برای اختلافات پیش‌بینی شده است. حال این پرسش مطرح می‌شود که چرا کمیسیون حل اختلاف در نظر گرفته شده است؟ اگر صحبت از عدم تعهد بوده و آنچه در سند آمده، جنبه داوطلبانه دارد، چرا

۱. پیوست پنجم برج‌ام.

۲. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، نشست بررسی ابعاد حقوقی برج‌ام ۱۴ مرداد ۱۳۹۴.

کمیسیون مشترک حل اختلاف وجود دارد؟ بنابراین لازم نیست خود را به قول و قرارهای سیاسی متعهد کنیم. پیش بینی کمیسیون حل اختلاف، نشان دهنده وجود تعهدات در سند است و این که جمهوری اسلامی ایران باید برخی اقدامات را در قبال اقدامات طرف مقابل انجام دهد و چنانچه هر کدام از طرفین به تعهدات خود پایبند نبودند و تخلفی صورت گرفت، به کمیسیون مشترک ارجاع داده و در آن طرح موضوع شود.

وجود ترکیبات حل و فصل اختلافات در موافقت نامه برجام نشان دهنده معاهده بودن آن است و این مسئله که ترکیبات حل و فصل حل اختلاف متفاوت با ترتیبات معمول حل و اختلاف است، نمی تواند بر معاهده بودن برجام تشکیکی وارد آورد. حتی باید گفت اتفاقاً پیش بینی ساز و کار حل اختلاف خاص در متن برجام خود نشان دهنده معاهده بودن آن است! هر چند بسیاری از معاهدات منعقد شده اند که فاقد سازوکار حل و فصل اختلافات می باشند؛ این که سازوکار آن به نوعی از سازوکار معمول در حل و فصل اختلافات بین المللی متفاوت است، بر اساس اصل آزادی اراده، به توافق طرفین بستگی دارد و به اصل معاهده بودن برجام خدشه ای وارد نمی کند.

افزون بر این دلایل، به زعم طرفداران این رویکرد، دلایلی مبتنی بر مصلحت اندیشی، خصوصاً در مسایل سیاسی، اقتضای آن را دارد که این متن، معاهده دانسته شود که خود حاوی مبادی، پیش فرض ها و همچنین آثار بین المللی و داخلی خاص، از جمله اعتبار مستقل برجام از قطعنامه، ترسیم برجام به عنوان سند موجد تعهد دو طرف، ایجاد مسؤولیت بین المللی در صورت نقض و لزوم تصویب مجلس است. در ثانی اگر هیچ یک از طرفین برجام، این سند را معاهده تلقی نکنند، از آن جا که این سند تمامی عناصر موجود در تعریف عهدنامه موجود در بند الف ماده ۲ کنوانسیون وین را داراست؛ این سند فارغ از نقطه نظر طرفین آن، کماکان از دید کنوانسیون وین، یک معاهده تلقی می شود (p16:1998,klabbers).

۱. همان.

۲. بند ۱ ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۶۹ حقوق معاهدات وین: «معاهده» عبارت است از یک توافق بین المللی که بین

ب) برجام به مثابه یک موافقت نامه نزاکتی

دولت‌ها در عمل از این گونه توافقات به وفور استفاده می‌نمایند و سابقه تاریخی شکل‌گیری این قبیل موافقت نامه‌ها به توافق نامه سری روسیه و انگلستان در سال ۱۸۷۸ برمی‌گردد که در آن تاکید شده بود، الزام حقوقی این موافقت نامه تنها برای کسی که آن را منعقد نموده، برقرار می‌گردد! این موافقت نامه‌ها در ابتدای شکل‌گیری تنها جنبه الزام‌آوری شخصی داشت، لکن به مرور تمامی اشکال موافقت نامه‌های غیرحقوقی، ذیل عنوان «موافقت نامه‌های نزاکتی» قرار گرفتند (Fiedler, 1981, p. 106)!

دولت‌ها در این توافق‌ها به دنبال تعهدات حقوقی نیستند؛ در عین حال مایلند در چارچوب آن‌ها تعهدات سیاسی یا اخلاقی را بپذیرند و همکاری نمایند. عامل تعیین‌کننده در ارزیابی این که سندی توافق حقوقی است یا نزاکتی، قصد طرفین مبنی بر ایجاد حقوق و تعهدات حقوقی میان خود است. چنین قصدی از طریق تفسیر متن، اوضاع و احوال زمان انعقاد و بررسی سایر نشانه‌ها کشف می‌شود. اگرچه انعقاد توافق‌های نزاکتی در حقوق بین‌الملل ممنوع نیست؛ به دلیل ماهیت غیرحقوقی، مقررات بین‌المللی به ویژه حقوق معاهدات بر آن‌ها اعمال نمی‌شود و بیش‌تر تابع اراده طرفین یا نظامات حقوقی داخلی آنهاست. البته استفاده از برخی مقررات حقوق معاهدات از سوی طرف‌های توافق یا نهادهای ثالث تا جایی که با ماهیت غیرحقوقی و غیرالزامی آن‌ها مغایرت نداشته باشد، امکان‌پذیر است.

کشورها بصورت کتبی منعقد شده و مشمول حقوق بین‌الملل باشد، صرف نظر از عنوان خاص آن و اعم از اینکه در سندی واحد یا در دو یا چند سند مرتبت به هم منعکس شده باشد.

1 J. Klabbbers, "The Concept of Treaty in International Law", Netherlands, Kluwer Law, 1998, p. 16.

2 W. Fiedler, "Gentlemen's Agreement", Encyclopedia of Public International Law, 1981, vol. 7, p. 106.

۳. مهدی حدادی، موافقت نامه‌های نزاکتی از منظر حقوق بین‌الملل، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۴۸،

دو عامل به تمایز معاهده و توافق های نزاکتی است: نخست این که در روابط بین الملل، روابط ساختاری نسبتاً رسمی و اغلب مداوم از اهمیت نسبی برخوردار است و در سطوح مختلف دولتی برقرار می‌شود، که گاهی نیز ایجاد نتایج حقوقی خاصی مقصود نظر طرفین نیست! عامل دوم، در موارد نیاز است که فقدان قانونگذار بین المللی از موافقت نامه‌های بین المللی برای تحقق اهدافی استفاده می‌شود که در سطح داخلی عموماً تحقق آن بر عهده قانونگذار است (Schachter, 1977: p.297).

عمده دیدگاه‌های طرفداران این رویکرد بر مبنای قصد طرفین موافقت نامه است که این قصد بارها و بارها از جانب طرفین مذاکره در حین مذاکرات و بعد از آن به صورت گفتاری و عملی اعلام شده که برجام یک معاهده نیست، بلکه یک موافقت نامه نزاکتی است که اراده قوی از طرف هر دو دولت برای اجرایی شدن و حل و فصل آن وجود دارد.^۲ بررسی تفصیلی مبانی استدلال قائلین به این رویکرد به شرح زیر است:

۱. عدم مطابقت مفاد کنوانسیون وین درباره حقوق معاهدات در تعریف معاهده با ویژگی‌های برجام:

در برجام پیش‌بینی نشده است که متن توافق باید به «امضای» طرف‌ها برسد و یا در مجلس قانونگذاری داخلی تصویب گردد. در واقع هیچ یک از طرق اعلام رضایت به التزام در قبال معاهدات که در ماده ۱۱ کنوانسیون حقوق معاهدات وین پیش‌بینی شده، در برجام ذکر نشده است. در مقابل، تنها از واژه «نهایی شدن»، «روز توافق» و «روز اجرا» استفاده شده، آنهم بصورت تاریخ دار و زمان بندی شده؛ در حالی که در

1 M. Fitzmaurice, & O. Elias, "Contemporary Issues in the Law of Treaties", Netherlands, Eleven International Publishing, 2005, p. 6.

2 O. Schachter, "The Twilight Existence of Nonbinding International Agreements", AJIL, 1977, vol. 71, No.2, p. 297.

۳. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، نشست بررسی ابعاد حقوقی برجام ۱۴ مرداد ۱۳۹۴.

۴. ماده ۱۱ کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹ وین: «رضایت یک کشور به التزام در قبال یک معاهده، از طریق امضاء، مبادله اسناد تشکیل دهنده یک معاهده، تنفیذ، پذیرش، تصویب، الحاق، یا به هر وسیله دیگری که مورد توافق قرار گرفته باشد، اعلام میشود.»

کنوانسیون ۱۹۶۹ وین به این امر تأکید شده که طرفین معاهده باید لزوماً به نحوی حال یا از طریق امضا یا تصویب و ... خود را در برابر معاهده ملتزم نمایند. از طرفی، یکی دیگر از عناصر شکل‌گیری یک معاهده، تحت شمول کنوانسیون حقوق معاهدات این است که طرفین آن را تحت حاکمیت حقوق بین‌الملل قرار دهند و این مقصود باید در لابه لای مذاکرات اولیه و رویه عملی آن‌ها ذکر یا استنباط گردد؛ حال آن که در موارد بسیاری از جانب همه طرف‌های برجام این مسئله مورد تأکید قرار گرفته که برجام تحت حاکمیت حقوق بین‌الملل نیست و توافقی است استثنایی که در این مورد خاص بین ایران و گروه ۵+۱ صورت گرفته و حتی بر سایر موارد مشابه نیز قابل انطباق نمی‌باشد. چنانکه در متن برجام صراحتاً قید شده «کلیه مفاد و اقدامات مندرج در این برجام صرفاً برای اجرای آن بین گروه ۵+۱ و ایران می‌باشد و نمی‌بایست به منزله ایجاد رویه برای هیچ دولت دیگری، یا برای اصول بنیادین حقوق بین‌الملل و حقوق و تعهدات وفق معاهده عدم اشاعه هسته‌ای و سایر اسناد مربوطه و همچنین اصول و رویه‌های شناخته شده بین‌المللی تلقی شود».

نکته جالب توجه دیگر این است که در برجام برای نقض آن، سازوکار تعیین شده است و ضمانت اجرایی در خود برجام، جدا از پیش‌فرض‌های شایع در حقوق بین‌الملل پیش‌بینی گردیده؛ به گونه‌ای که برجام را به عنوان سندی معرفی می‌نماید که یک رژیم ضمانت‌اجرایی و مجازات خودبسنده دارد و آن حالت برگشت‌پذیری است. به این معنی که اولاً با درج این مقرره ظاهراً به گونه‌ای اجازه نقض برجام در خود برجام داده شده است که این خود یک نوآوری است و از طرفی، ضمانت اجرای نقض آن، اقدامات تنبیهی یا مجازاتی از جانب قدرتی مافوق و یا بیرون از برجام نیست، بلکه در صورت نقض، کلیه شرایط حالت برگشت‌پذیری دارد و به روز قبل از شکل‌گیری توافق برمی‌گردد.

1. All provisions and measures contained in this JCPOA are only for the purpose of its implementation between E3/EU+3 and Iran and should not be considered as setting precedents for any other state or for fundamental principles of international law and the rights and obligations under the NPT and other relevant instruments, as well as for internationally recognised principles and practices. (JCPOA)

۲. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، نشست بررسی ابعاد حقوقی برجام ۱۴ مرداد ۱۳۹۴.

۲. مطابقت تعریف موجود در حقوق داخلی از موافقت نامه نزاکتی با عناصر برجرام: حال باید دید برجرام با تعریف توافق نامه نزاکتی چه تناسبی دارد. در «آیین نامه چگونگی تنظیم و انعقاد توافقتنامه‌های بین المللی»، «توافق»، به دو قسم «توافق حقوقی» و «توافق نزاکتی» تقسیم گردیده است. در تعریف «توافق حقوقی» آمده: «توافقی است ناشی از روابط بین المللی که به موجب آن، دستگاه دولتی در مقابل دولت، موسسه و شرکت دولتی خارجی یا مجامع، شوراها و سازمان‌های بین المللی، ملتزم به امری شود و دارای آثار و ضمانت اجرای حقوقی باشد».

توافق حقوقی، خود بر دو قسم است، به این نحو که «توافق حقوقی در مواردی که نیازمند تصویب مجلس شورای اسلامی باشد، توافق حقوقی تشریفاتی است و در سایر موارد، توافق حقوقی ساده محسوب می گردد.» توافق نزاکتی این گونه تعریف شده است: «توافقی است ناشی از روابط بین المللی که به موجب آن دستگاه دولتی تصمیم خود را به تعقیب سیاست‌های معینی اعلام می نماید، بدون آن که اثر حقوقی لازم الاجرائی بر آن مترتب باشد.» توافقتنامه‌های بین المللی، برای سیر مراحل تدوین، تصویب و لازم الاجرا شدن، علاوه بر نیاز به «اجازه مقدم»، یعنی مجوز مجلس شورای اسلامی برای انعقاد توافق حقوقی؛ مستلزم طی تشریفات سه گانه ذیل است:

اول: پاراف: عبارت است از تایید پیش نویس توافق بین المللی از طرف اشخاص مجاز؛

دوم: امضای موقت: امضای توافق بین المللی است که لازم الاجرا شدن آن منوط به تصویب مراجع صالح باشد.

۱. در اجرای مفاد اصول (۷۷) و (۱۲۵) قانون اساسی، «آیین نامه چگونگی تنظیم و انعقاد توافقتنامه‌های بین المللی» در سال ۱۳۷۱ به تصویب هیات وزیران رسید. این آیین نامه با اصلاحات و الحاقات بعدی، اکنون مشتمل بر (۲۱) ماده و (۱۷) تبصره در دسترس است و در حدود مقرر در قوانین موضوعه، لازم الاجرا است.

۲. آیین نامه چگونگی تنظیم و انعقاد توافقتنامه‌های بین المللی، بند ۱ ماده ۱.

۳. پیشین، بند ۲ ماده ۱.

۴. آیین نامه چگونگی تنظیم و انعقاد توافقتنامه‌های بین المللی، بند ۳ ماده ۱.

۵. پیشین، بند ۷ ماده ۱.

سوم: امضای قطعی: امضای توافق بین المللی که بعد از تصویب مراجع صالح از طرف مقامات صالح صورت می گیرد.

نکته: مقصود از «تشریفاتی» بودن آن است که اگر ترتیبات مقرر در قوانین، اعم از «اجازه مقدم، پاراف، امضای موقت و امضای قطعی» در چهارچوب ضوابط مندرج در قوانین اساسی و عادی جامه عمل به خود نپوشاند، چنین توافقی را نمی توان «توافق بین المللی» نامید؛ به گونه‌ای که کشور را ذی حق یا به اجرای تعهدی در عرصه بین الملل متعهد نماید.^۱ به موجب بندهای ذیل ماده (۷) آیین نامه، خصوصاً بندهای (ج - د - ه) ناظر به «چگونگی تنظیم و انعقاد توافق های حقوقی تشریفاتی - به تعریفی که گذشت - آمده است: «این گونه موضوعات باید به تناسب، تحت یکی از عناوین عهدنامه، مقاله نامه، موافقتنامه، قرارداد یا پیمان و در چهارچوب توافق های حقوقی تشریفاتی تنظیم و تصویب شوند.» یعنی صرفاً باید تحت عناوین مصرح در اصول (۷۷) و (۱۲۵) قانون اساسی، منعقد گردند؛ چرا که هر واژه از واژگان قانون، متضمن بار حقوقی مخصوص به خود است. حال برجام در برابر این تعریف چه وضعیتی دارد؟

در صورت سکوت و عدم رد ایران در فاصله زمانی ۹۰ روزه تعیین شده پس از صدور قطعنامه شورای امنیت، برجام از طرف دولت ایران پذیرفته شده تلقی خواهد شد؛ اما آنچه ایران بر مبنای برجام بر عهده گرفته، برخی تحدید حدودهاست که ابتدای اصلی آن بر پایه قطعنامه‌های پیشین شورای امنیت است و نه پذیرش وضعیت حقوقی لازم الاجرای جدید مطابق برجام. این وضعیت خواسته یا ناخواسته، بدون این که اراده طرف ایرانی در آن دخیل باشد، از سوی شورای امنیت بر ایران وارد شده بود و کاری که نمایندگان ایران در این مذاکرات انجام دادند، مذاکره برای تحدید حدود قطعنامه‌های شورای امنیت و تعهدزدایی نمودن از برخی شرایط اجباری آن است و نه تعهدآوری.

۱. پیشین، بندهای ۱۱، ۱۰ و ۱۲ ماده ۱.

۲. قربانعلی مهری، بیانیه یا توافقنامه؟! مستندات قانونی، روزنامه اعتماد، ۱۳۹۴/۰۱/۲۴.

۲. ابراز قصد طرفین به صورت قولی و عملی مبنی بر این که برجام یک معاهده بین‌المللی نیست:

استدلال عده‌ای دیگر از حقوقدانان برای تحلیل ماهیت برجام با تأکید بر عنصر قصد و رضا، به عنوان یکی از شرایط اصلی صحت معاهدات طبق حقوق ایران^۱ و تفسیر قوانین بین‌المللی طبق قواعد تفسیری حقوق داخلی، مبنی بر این که برجام یک معاهده بین‌المللی نیست و از یک معاهده بین‌المللی ماهیتی متمایز دارد؛ با این عبارات عنوان می‌گردد: «حقوقدانان همیشه برای تحلیل حقوقی عقود و قراردادها به قصد و رضای طرفین توجه می‌کنند. براساس این دیدگاه وقتی یک سند بین‌المللی معاهده محسوب می‌شود که قصد طرفین مذاکرات، تنظیم معاهده باشد؛ درحالی که در طول ۱۸ ماه مذاکرات اخیر جمهوری اسلامی ایران با ۵+۱، همه طرف‌ها بارها تأکید کرده‌اند که سند نهایی، یک معاهده بین‌المللی نیست. این موضوع حتی به مدت زمان برگزاری مذاکره هم ختم نشد و حتی آمریکایی‌ها بعد از جمع‌بندی مذاکرات هم بیان کردند که این سند یک معاهده نیست. به نظر می‌رسد، نظر وزارت خارجه کشورمان هم در طول مذاکرات همین بوده است که سند برجام، معاهده نباشد. بر این اساس، باید گفت که قصد و رضا، در انجام یک قرارداد به یک طرف بر نمی‌گردد، بلکه به قصد و رضای همه طرف‌ها برمی‌گردد و نظر مجلس در این رابطه معتبر نیست.»^۲

پس از نهایی شدن برجام نیز، هیچ یک از طرف‌های مذاکره، این سند را به مجلس خود نبردند تا طی روند حقوق داخلی شان مورد بررسی و تصویب قرار گیرد، که این مسئله نیز به عنوان رویه عملی موید نظریه معاهده نبودن برجام، حتی بعد از نهایی شدن توافق، از اهمیت والایی برخوردار است.

« باید توجه داشت که در تنظیم متن برجام از کلمات حقوقی استفاده شده است که در کنوانسیون ۱۹۶۹ وین استفاده نشده است. بر این اساس، اصرار تنظیم‌کنندگان برجام

۱. ماده ۱۹۰ قانون مدنی ایران.

۲. میرشهبیز شافع، ماهیت حقوقی برجام، همشهری آنلاین، یکشنبه ۲۵ مرداد ۱۳۹۴.

بر عدم استفاده از واژه‌های کنوانسیون مذکور، قرینه‌ای بر این موضوع است که هیچ‌گاه طرفین نخواستند نتیجه مذاکرات هسته‌ای، یک معاهده بین‌المللی باشد. در این رابطه به چند مثال توجه می‌کنیم:

الف) کنوانسیون وین از تصویب توسط مقامات دولتی صحبت می‌کند؛ درحالی‌که در برجام به هیچ وجه آن را موکول به تصویب مقامات داخلی نمی‌کند و در مقابل موضوع «۹۰روز پس از تصویب قطعنامه شورای امنیت» را مطرح می‌کند.

ب) درخصوص روند تصویب در برجام بحثی از «حد نصاب» برای لازم الاجرا شدن صورت نگرفته است؛ درحالی‌که براساس کنوانسیون وین اگر قرار بود معاهده باشد، باید بر موضوع تصویب «دو سوم» از دولت‌های داخلی تأکید می‌کرد.

ج) در برجام ذکری از واژه «امین معاهده» نشده است؛ چون در واقع سند مصوبی نیست که بخواهد به تسلیم امین برسد؛ درحالی‌که ماده ۱۶ کنوانسیون وین بر لزوم تعیین امین موضوع نیز تأکید شده است.^۱

البته این ایراد خالی از اشکال نمی‌باشد؛ چرا که تعیین امین برای مبادله اسناد مقوم معاهده، امری الزامی نیست و طریقه سنتی در مبادله اسناد بین طرفین معاهده همچنان به قوت خود باقی است؛ هم چنان که بند الف ماده ۱۶ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین نیز این مورد را عنوان نموده است. هر چند در طرفینی بودن برجام از سویی خدشه وارد است که طرفین توافق، کشورها یا سازمان‌های بین‌المللی نیستند و یک گروه غیررسمی در برابر ایران قرار دارد. این گروه جزو تابعین حقوق بین‌الملل نیست و لذا این برجام نمی‌تواند معاهده تلقی گردد که به امین نیاز داشته باشد.

۳. واژگان به کار رفته در متن برجام ظهور در ایجاد تعهد ندارند و به کار نبردن واژه‌هایی که ظهور آن‌ها در معنای التزام و تعهد می‌باشد، نمی‌تواند اتفاقی و بی دلیل صورت پذیرفته باشد.

همان گونه که در بررسی ماهیت برجام بمتابه یک معاهده بین‌المللی ذکر شد، اصرار طرفین در به کارگیری واژه‌هایی که بار معنای حقوقی آن‌ها از حیث تعهدآور بودن کم

۱. همان.

تر است و از درجه التزام کم تری برخوردارند، نمی‌تواند اتفاقی باشد. استفاده از واژه‌هایی چون will به جای agree و undertake و نیز استفاده از واژه commitment به جای obligation اتفاقی نیست و این واژه‌ها طی مذاکرات چندجانبه با هوشمندی کامل انتخاب و مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

برای بررسی بهتر و دقیق تر ماهیت حقوقی برجام، شاید نگاهی به سابقه پرونده هسته‌ای ایران و رویکردی که کشورهای طرف مذاکره در گذشته و حال با این موضوع داشته‌اند؛ خالی از لطف نباشد. لذا به اختصار رویکرد هر یک از این کشورها را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

الف) آمریکا

رویکرد ایالات متحده آمریکا نسبت به متن برجام از این گفته وزیر خارجه این کشور در جلسه سنا قابل استنباط است که « ما از ابتدا به وضوح گفتیم که ما حول یک "برنامه الزام آور حقوقی" مذاکره نخواهیم کرد. ما در خصوص برنامه‌ای مذاکره خواهیم کرد که در آن ظرفیت‌هایی برای اقدامات اجرایی وجود داشته باشد.»

این امر بدان معنا است که نظام آمریکا، تحت حاکمیت حقوق بین‌الملل، الزامی نسبت به اجرای برجام ندارد؛ و اجرا یا عدم اجرای آن در اختیار شخص رییس جمهور آمریکا و یک پروسه دیپلماتیک است که در صورت نقض به تحقق مسئولیت بین‌المللی برای دولت آمریکا منجر نخواهد شد؛ اگرچه این امر لزوماً به این معنا نیست که دولت آمریکا می‌تواند مفاد برجام را بی دلیل و به راحتی نقض کند؛ چرا که بسیاری از متون غیر الزام آور حقوقی،

1 See: **Black's Law Dictionary**, Henry Campbell Black, M.A; below: wil, agree, undertake, commitment, obligation.

2 We've been clear from the beginning. We're not negotiating a 'legally binding plan.' We're negotiating a plan that will have in it a capacity for enforcement. We've been clear from the beginning. We're not negotiating a 'legally binding plan.' We're negotiating a plan that will have in it a capacity for enforcement. (Wednesday | September 2, 2015) see at:

<http://www.washingtonexaminer.com/kerry-iran-deal-not-legally-binding/article/2561368>

ضمانت اجراهای سیاسی بسیار قوی تری از ضمانت اجراهای حقوقی و عکس العمل‌های متقابل سایر تابعان حقوق بین‌الملل را در پی دارند و نقض چنین توافق‌هایی ممکن است در شرایط و اوضاع و احوال خاص با قواعد عام تعاملات سیاسی و دیپلماتیک مغایر تلقی شود و عکس العمل متقابل طرف دیگر همچون توسل به اقدام تلافی جویانه غیر دوستانه را در پی داشته باشد (Fiedler, 1987, p. 706).^۱ از جمله این ضمانت اجراها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. ۱. ضمانت اجرای اخلاقی و جلب رضایت خاطر کشور قربانی نقض حقوق بین‌الملل از طریق اظهار تأسف و یا معذرت خواهی؛ ۲. ضمانت اجرای سیاسی و اعتراض رسمی کشورها، مخصوصاً و نیز انتشار اسناد و مدارک حاکی از نقض حقوق بین‌الملل؛ ۳. افکار عمومی جهانی که نشان دهنده توجه افکار عمومی جهانی در برابر نقض مقررات بین‌الملل و تأثیر در عملکرد کشورها؛ ۴. منافع مشترک و متقابل که حقوق بین‌الملل تا حدود زیادی بازتاب دهنده منافع و مصالح انفرادی و جمعی کشورهای وابسته به یکدیگر است و همین امر به اجرای بسیاری از قواعد حقوق بین‌الملل کمک می‌کند.

به ویژه وضعیت خاص برجام، که قطعنامه (۲۲۳۱) شورای امنیت سازمان ملل را هم در حمایت از خود به دست آورده و این قطعنامه، طبق ماده ۲۵ منشور ملل متحد برای همه دولت‌ها لازم‌الاتباع است؛ نکته قابل ذکر این است که قطعنامه ۲۲۳۱ تحت ماده ۲۵ منشور صادر گردیده و به نظر می‌رسد این اقدام با اصرار گروه مذاکره کننده ایرانی صورت گرفته تا پس از گذشت مدت زمان و در صورت نقض برجام، پرونده هسته‌ای ایران از دستور کار شورای امنیت خارج شود تا بازیچه ابراز قدرت بازیگران قدرتمند عرصه بین‌الملل قرار نگیرد و تجربه بحران کوزوو در مورد ایران تکرار نشود.^۲

1 W. Fiedler, "Gentlemen's Agreement", Encyclopedia of Public International Law, 1981, vol. 7, p. 106.

۲ . بحرانی که در بوسنی و هرزگوین رخ داد و امریکا از حل این بحران همزمان با حل بحران خلیج فارس که از طریق سازمان ملل انجام یافته بود، سعی نمود از طریق نیروهای ناتو ورود پیدا کند تا پس از ناکارآمدی شورای امنیت، مساله را به نفع خود با ابراز و اثبات ابرقدرتی خود پایان بخشد که در حل آن چندان موفق نبود. جهت اطلاعات بیشتر تر رک: https://en.wikipedia.org/wiki/Battle_of_Kosovo

قطعنامه ۲۲۳۱، به دلیل آنکه سندی مستقل از برجام است، ماهیت حقوقی برجام را به هیچ روی تغییر نخواهد داد؛ ولی سبب تعهد بیش تر دولت‌ها به برجام خواهد شد؛ چرا که نقض قطعنامه، نقض تصمیم شورای امنیت است که تبعیت از قطعنامه‌های شورای امنیت، قطعاً مسئولیت بین‌المللی برای دولت خاطی در پی خواهد داشت. لکن دولت‌ها، همواره در تلقی یک تفاهم به عنوان یک تعهد حقوقی محتاطند؛ هرچند جمهوری خواهان آمریکا، برای داخل کردن کنگره در بررسی برجام اصرار کرده، و تلاش می‌نمایند اثبات کنند که متن حاضر یک معاهده است.^۱

اگرچه این اظهارنظرها به نفع طرف مقابل از منظر بهره برداری حقوقی است؛ با تمام این تفاوت دیدگاه‌ها، به نظر می‌رسد تفاهم نهایی کنگره و دولت بر تلقی نکردن برجام به عنوان یک معاهده بین‌المللی و عدم تصویب آن به عنوان یک معاهده یا ...، در جهت حفظ منافع ایالات متحده در عدم ایجاد اختلاف کلان داخلی بوده است؛ تا در صورت عدم توافق بر برجام، این اتفاق به معنای نقض یک تعهد بین‌المللی به ویژه نقض قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل توسط آنان تلقی نشود؛ ولو آن که نقض برجام نیز نتایج سیاسی و ضمانت اجراهای سنگینی داشته باشد.

اما گذشته از این نزاع درونی آمریکا، واقعا برجام از منظر حقوق داخلی آمریکا چیست؟ در ایالات متحده آمریکا معاهدات بین‌المللی را سنا و عهدنامه‌های مالی را مجلس نمایندگان تصویب می‌کند. بر اساس قانون اساسی فدرال آمریکا، رییس جمهور با صلاحدید و مشورت سنا، و کسب دو سوم آرای موافق نمایندگان حاضر، اختیار عقد معاهدات را دارد. واضح است که پس از تصویب کنگره، این، صرفاً وظیفه دولت است که مذاکرات را به گونه‌ای آغاز کرده، انجام داده، و هدایت نماید که به معاهده منجر شده؛

۱. به عنوان مثال سناتوری بگوید:

”This is clearly a treaty, they can call it a banana, but it's a treaty“

و یا سناتور دیگری اظهار دارد:

Let there be no mistake, this is a treaty that is being negotiated. It's a treaty and "

".should be treated as such

۲. بند ۲ ماده ۲ اصل دوم قانون اساسی فدرال.

و آن کشور را رسماً به امری تحت حاکمیت حقوق بین‌الملل مجبور و متعهد سازد، درحالی که این جا و براساس نظر رسمی وزیر خارجه آمریکا اینگونه نیست؛ زیرا برجام هیچ اجبار روشنی را تحت حاکمیت حقوق بین‌الملل بر آن کشور اعمال نمی‌کند؛ البته همان گونه که اجباری را بر ایران اعمال نمی‌کند و صرفاً در صورت نقض، طرفین به لحظه پیش از توافق در وین باز خواهند گشت. علاوه بر این، و در مخاصمات درونی آمریکا که دموکرات‌ها نمی‌خواهند این متن معاهده باشد و جمهوری خواهان می‌کوشند تصویر یک معاهده از آن ارائه دهند، هم هیچ رویکرد تفسیری دقیقی بر این دو نظر حاکم نیست؛ اگرچه مسئولیت اصلی در این زمینه به عهده دولت است، که آنهم به صراحت با معاهده بودن و یا الزام حقوقی داشتن برجام مخالفت نموده است. و این در حالی است که هرکدام از طرفین نیز عناصری از واقعیت، به صورتی احتمالی و تقریباً متوازن را در بر دارند. بنابراین، از منظر حقوق آمریکا، برجام یک معاهده نیست؛ یک توافق قابل تصویب نیست؛ یک... نیست؛ و به همین جهت، سرنوشت برجام به نزاع میان دولت و کنگره و رای سرنوشت ساز کشیده شده است!

ب) اروپا

این مسئله در خصوص اروپا به نحو دیگری مطرح است؛ چرا که اتحادیه اروپا به عنوان یک سازمان بین‌المللی عظیم و مدرن در این زمینه وظایف و عملکرد روشنی دارد. اتحادیه اروپا طبق پیمان لیسبون^۱، به دور از روند قوانین ملی کشورهای عضو خود می‌تواند درخصوص برخی انواع متون، طبق توافق برای اعضای اتحادیه تصمیم‌گیری نماید. لذا اتحادیه اروپا، لزوم انجام مذاکرات و رسیدن به توافق را بر مبنای همین اختیارات، قبل از شکل‌گیری برجام تصویب نموده و پس از انجام توافق نیز، آن را در اجلاس اتحادیه تأیید

۱. ابوطالبی، حمید، برجام بر کدامین فرجام؛ بررسی ماهیت حقوقی برجام.

کرده و هرگز کار را به پارلمان کشورهای عضو نکشاند است.^۱ با استناد به بند ۶ ماده ۲ قسمت چهارم بخش مقررات عمومی پیمان لیسبون، اتحادیه اروپا حق انعقاد معاهدات بین المللی از جانب کلیه اعضا دارد و مصوبات این اتحادیه در مسائل کلان و سیاست خارجی اتحادیه، برای تمامی اعضای این اتحادیه لازم الاتباع است.^۲

ج) ایران

اما در ایران، رویکرد حقوقی به برجام به گونه‌ای دیگر است؛ زیرا در کشور ما تقریباً هیچ گونه سابقه روشنی از تداوم حضور و یا تعامل در این گونه امور، وجود نداشته باشد تا بتوان در این گونه موارد از آن سابقه پیشین مدد جست. به همین جهت، در ایران دو رویکرد در خصوص برجام پدید آمده است:

رویکرد اول، رویکرد غیر کارشناسانه نقد و تأیید است که عموماً با پیش زمینه‌ها و درونمایه منافع حزبی به برجام نگریسته می‌شود. در این رویکرد، با نگرش غیرکارشناسانه و عمدتاً سلیقه‌ای رو به رو هستیم که از سویی به سمت دفاع و تأیید بی مورد کشانیده می‌شود و از سویی دیگر، بی انصافانه به بوته نقد محتوا می‌نشیند؛ بدون آن که در بستر علم حقوق به ماهیت آن پرداخته شود. رویکرد دوم، رویکرد رسمی حقوقی است. در این رویکرد، معاونت حقوقی رییس جمهور، اظهار داشته که این متن یک معاهده نمی‌باشد؛ که در این معنا و از این منظر، نیازمند تصویب مجلس نبوده و طی روند قانونی مطابق قانون اساسی است.^۳

از سوی دیگر، برخی نمایندگان محترم مجلس بدون ورود در ماهیت این متن و در نظر گرفتن تبعات احتمالی آن، صرفاً بر تصویب آن در مجلس پافشاری می‌کنند و با

1 Iran: EU starts implementing the Joint Comprehensive Plan of Action, European Council, Council of the European Union, Foreign affairs & international relations, 31/07/2015

The legal acts are available in the Official Journal dated 1 August. They were adopted by the Council by written procedure.

2The Union shall pursue its objectives by appropriate means commensurate with the competences which are conferred upon it in the Treaties.

3<http://www.khabaronline.ir/detail/441146/society/4143>

استناد به اصول ۷۷ و ۱۲۵ و... قانون اساسی اصرار بر لزوم تصویب این متن در مجلس قانونگذاری دارند.^۱

درخصوص رویکرد استادان حقوق بین‌الملل ایران نیز، باید به این نکته اذعان داشت که در زمینه تعریف اسناد بین‌المللی منعقدہ میان اعضای جامعه بین‌الملل، در میان اندیشمندان علم حقوق اختلاف نظر وجود دارد و استادان این رشته به نوبه خود دلایل و مستندات آرائی می‌نمایند که هر یک در جای خود معقول و قانع‌کننده به نظر می‌رسد. لکن واقعیت امر این است که در ایران همانند آمریکا با دو رویکرد متضاد درخصوص این متن رو به رو هستیم که گاه پیروان دو رویکرد، در پیروی از رویکردی خاص، به دنبال منافع حزبی خود هستند و گاه تنها بر پایه استنادات علمی بدون در نظر گرفتن تبعات رویکرد متخذه به هر یک از دو رویکرد قائل می‌باشند. از این رو، در تبیین تعاریف اسناد بین‌المللی ذکر شده در اصول قانون اساسی سعی شده ابتدا به تعاریف مختار دست یافته شود تا بدین وسیله در تحلیل برنامه جامع اقدام مشترک دقیق‌تر عمل شود. هر چند به علت عدم انتشار گزاره برگ^۲ از طرف ایران بر خلاف دولت ایالات متحده که در توافق اولیه ژنو گزاره برگ خود را منتشر نمود؛^۳ شاید نتوان به طور کامل برداشت هیات ایرانی را از ماهیت توافق و اسناد ضمیمه آن تحلیل نمود؛ با همه این تفاوت‌ها، این متن در ایران از موقعیت قانونی داخلی - و نه الزامات حقوقی تحت حاکمیت حقوق بین‌الملل - روشنی برخوردار شده است؛ بدین معنا که قبل از تأیید و امضا آن در وین، مجلس شورای اسلامی با تصویب قانونی که به تأیید

۱. وبلاگ مهدی کوچک زاده، پنجشنبه هشتم مرداد ۱۳۹۴.

2Fact sheet

۳. برای اطلاعات بیشتر درخصوص گزاره برگ ایالات متحده ر.ک:

<http://www.state.gov/documents/organization/1220253.pdf>

و نیز برای مطالعه تحلیل کنگره آمریکا ر.ک:

<https://fas.org/sgp/crs/nuke/R43333.pdf>

۴. تحلیل حقوقی ماهیت و اعتبار برنامه اقدام مشترک با تأکید بر اصل حاکمیت قانون اساسی، سید محمد

مهدی غمامی، علیرضا نصرالهی نصرآباد، فصلنامه دانش حقوق عمومی، ص ۸۹

شورای نگهبان رسیده است، خود را از پرداختن به برجام مبری نموده و با برخی شروط، این پرونده را به شورای عالی امنیت ملی سپرده است که در نوع خود قابل تامل و حرکتی دقیق و شایسته است.

اگر برجام را یک معاهده بین‌المللی قلمداد کنیم، نمایندگان خانه ملت بر اساس متن و نص صریح قانون اساسی به بررسی برجام و اعلام نظر در قبال آن ملزم هستند. در قانون اساسی تصریح شده است که تصویب هرگونه قرارداد الزام آور، تعهد نامه و مقاله نامه‌ای که بین ایران و سایر کشورها منعقد می‌شود و برای ایران تعهد آور است - مطابق اصول ۷۷ و ۱۲۵ - بر عهده مجلس است. ورود مجلس شورای اسلامی به وضوح طبق اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران الزامی است. اما اگر این متن معاهده نباشد، آن گاه با شقوق متفاوتی رو به رو خواهیم بود که نتایج متفاوتی نیز در بر خواهند داشت.

منتقدین بررسی برجام در صحن علنی مجلس شورای اسلامی معتقدند «برجام» تنها یک برنامه جامع اقدام مشترک بوده و به لحاظ شکلی شامل موارد سه گانه ذکر شده در نص صریح قانون اساسی نمی‌شود. به عبارت بهتر؛ برجام یک تعهد نامه، قرارداد یا یک مقاله نامه محسوب نمی‌شود و حدود و ثغور حقوقی مترتب بر این موارد در قبال برجام متصور نیست^۱.

در پاسخ به این استدلال می‌توان گفت واقعیت امر این است که قانونگذار در این جا بر روی «صورت» موضوع تکیه ندارد، بلکه بر «ماهیت» موضوع و تعهد آور بودن آن متمرکز شده است. در واقع مبنای قضاوت حقوقی در خصوص برجام، ماهیت آن می‌باشد نه صورت ظاهری و عنوان آن! برجام به صورت ماهوی یک تعهد نامه است؛ زیرا جمهوری اسلامی ایران در ذیل آن یک سلسله تعهدات و تکالیف را پذیرفته و از طرف مقابل نیز یک سلسله انتظاراتی را دارد. بنابراین، برجام متنی تشریفاتی یا غیر الزام آور و غیر تعهد آور محسوب نمی‌شود^۲.

۱. بررسی برجام در مجلس؛ «مناقشه‌ای حقوقی» یا «ملاحظه‌ای سیاسی»؟! خبرگزاری مهر، ۲ شهریور ۱۳۹۴.

۲. پیشین <http://www.mehrnews.com/news/2894133>

شورای نگهبان در دهه ۶۰ تفسیری داشته به این مضمون که «عنوان توافق‌نامه‌ها» موثر در ماهیت آن‌ها نیست و اگر مقامات کشورمان به هر شکل، تعهداتی را به موجب یک قرارداد بپذیرند، همین تعهد، یک موافقت‌نامه رسمی و مصداق اصول ۷۷ و ۱۲۵ بوده و این به آن مفهوم است که باید مراحل قانونی خود را در مجلس و بعد از آن امضای رئیس‌جمهور، به اتمام برساند (موذنیان، ۱۳۸۱: ص ۳۰۲). بنابراین با نگاهی که در حال حاضر نسبت به برجام وجود دارد و با توجه به مفاد آن، این‌طور برمی‌آید که توافق‌نامه‌ای بین جمهوری اسلامی ایران و طرف مقابل منعقد شده و باید در نظام داخلی ما تمامی مراحل قانونگذاری را - که به معنی طی مراحل بررسی آن در مجلس است - به اتمام برساند.

از نظر حقوق بین‌الملل نیز، سوابق مشابه وجود داشته و حتی در جایی که سند مکتوب و امضاشده‌ای بین مقامات دو کشور وجود ندارد، قول مقامات رسمی دو کشور ذی‌نفع، مخصوصاً روسای جمهور، شخص اول کشورها یا وزرای خارجه چنانچه آن‌ها حتی در قالب بیانیه یا بیانیه شفاهی تعهداتی را بپذیرند، جنبه الزامی برای دو طرف ایجاد نموده است. بنابراین، برجام چه از حیث حقوق داخلی و چه حقوق بین‌الملل، موافقت‌نامه‌ای است که به طی تشریفات قانونگذاری در نظام تقنینی کشور نیاز دارد!

اما در پاسخ به این مدعا نیز می‌توان عنوان نمود که برجام در ذات خود، هیچ‌گونه تعهد برای ایران ایجاد نکرده است و حتی تعهدزدایی نموده است. تعهد ایجاد شده برای ایران از جانب معاهده منع گسترش و یا پذیرش بعدی پروتکل الحاقی است که پذیرش این پروتکل نیز به صورت داوطلبانه از سوی تیم مذاکره‌کننده ایران ابراز شده و نه از متن برجام و یا این که این الزامات از جانب قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت بر ایران وارد شده که اراده دولت ایران و هیچ دولتی در تصمیمات این شورا نمی‌تواند دخیل باشد.

۱. مجموعه نظریات شورای نگهبان تفسیری و مشورتی در خصوص اصول قانون اساسی با انضمام

استفساریه‌ها و تذکرات (۱۳۸۰-۱۳۵۹)، موذنیان، محمدرضا، ص ۳۰۲.

۲. عباسعلی کدخدایی، روزنامه جام جم، ۲۱ مرداد ۱۳۹۴.

قبل از انقلاب، رویه واحدی جاری بوده که طی آن، هر گونه موافقت‌نامه در بحث انرژی هسته‌ای میان دولت ایران و دولت‌های مقابل انجام می‌پذیرفت، حتماً به تصویب مجلس شورای ملی یا مجلس سنا می‌رسیده است؛ اما بعد از انقلاب به دو صورت عمل شد. تعدادی از موارد به تأیید مجلس شورای اسلامی رسید؛ اما از سال ۱۳۸۱ به بعد وضعیت تغییر نموده و برخی موارد با هماهنگی شورای عالی امنیت ملی صورت پذیرفته است.^۱ در هر حال، و جدا از این رویکردها، باید موضعی روشن در قبال وضعیت حقوقی این متن در اذهان وجود داشته باشد و جامعه مرتبط با آن نیز از این امر تبعیت نماید.

براساس این عناصر و قرائنی که بیان شد، به راحتی می‌توان تفسیر کرد که سند برجام یک معاهده بین‌المللی نیست. ماهیت حقوقی این سند را باید با توجه به پیشینه پرونده هسته‌ای ایران، تحلیل و تفسیر نمود. ایران، تا قبل از این مذاکرات، مشمول قطعنامه‌های تحریمی فصل هفتم منشور بوده که برای لغو تحریم‌ها و همچنین بی‌اعتبار کردن قطعنامه‌های پیشین، مذاکراتی را شروع کرده است. نتیجه آن مذاکرات، تهیه پیش‌نویسی برای قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت بوده که در واقع امر می‌توان «برجام» را به گونه‌ای ضمیمه پیشین این قطعنامه در نظر گرفت که ضمانت اجرا و قدرت الزام‌آوری خود را از این قطعنامه دریافت می‌نماید. لذا آن چه که اتفاق افتاده، مذاکره برای تهیه پیش‌نویس قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت بوده است. البته ایران تا ۹۰ روز موعده مقرر بعد از تصویب قطعنامه شورای امنیت، فرصت دارد که برجام را رد کند. همچنین، براساس برجام، اگر ایران سکوت کند طبق ماده ۲۵ منشور ملل متحد، همه قطعنامه‌های شورای امنیت و به تبع آن این سند برجام که ضمیمه پیشین قطعنامه است، الزام‌آور خواهند بود.

نهایتاً با توجه به نکات مذکور، باید توجه داشت که تصویب برجام در مجلس شورای اسلامی و حتی تأیید نهادهای داخلی دیگر از منظر لازم‌الاجرا شدن در صحنه بین‌المللی ضروری نیست؛ زیرا این سند بر اساس مکانیسم موجود، خود به خود بعد از گذشت ۹۰ روز لازم‌الاجرا خواهد شد.

۱. خیر الله پروین، نشست برجام تا انجام، سازمان بسیج حقوقدانان، ۶ مرداد ۱۳۹۴.

بر این مبنا و از منظر حقوق بین‌الملل، و شرائط و دیدگاه‌های طرفین، و نحوه مذاکرات، و چگونگی هدایت آن، باید بپذیریم که برجام، امری تقریباً نادرست؛ ملاحظات ۵+۱ و دیدگاه طرف ایرانی در بافت آن تنیده شده و به همین خاطر برجام نه معاهده است، نه موافقت‌نامه، نه ...، نه صرفاً متأثر از فرمان اجرایی رییس جمهور آمریکا به مانند مورد چین، و نه همگون با معاهدات آن‌ها با شوروی سابق؛ که البته شاید بعدها بتوان برای آن در حقوق بین‌الملل جایگاهی تعریف کرد.

بنابراین، برجام یا برنامه جامع اقدام مشترک را می‌توان در این سردرگمی و عدم وجود نهاد مشابه بین‌المللی برای سندهایی از این قبیل که برجام در واقع یک نوآوری بوده است، "راهکاری اجرایی" نامید که به صورت پیش‌نویس یک قطعنامه برای صدور قطعنامه جدید در جهت لغو تعهدات الزام‌آوری که در ۶ قطعنامه پیشین شورای امنیت علیه ایران تحمیل شده است، اندیشیده شده است. برجام در متن خود، نه تنها تعهدی برای طرف ایرانی ایجاد نکرده، بلکه تعهدزدایی نموده و از میزان تعهدات گذشته علیه ایران که در قطعنامه‌های شورای امنیت پیش‌بینی شده بود، کاسته است. پس، نفس برجام، خصوصیت اصلی معاهده را که تعهدآوری است، ندارد. در نتیجه، از نظر حقوقی، معاهده محسوب نمی‌شود. تعهدات ایران و سایر کشورهای عضو معاهده منع گسترش مبنی بر توسعه ندادن سلاح‌های هسته‌ای ناشی از این معاهده است، نه برجام و این معاهده قبلاً به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است و پذیرش پروتکل الحاقی نیز از طرف ایران به صورت داوطلبانه بوده و در برجام، ایران تعهدی در این خصوص بر عهده نگرفته است.

در استدلال سیاسی مطرح شده از سوی مقامات وزارت امور خارجه کشورمان نیز این موضوع صادق است. برنامه جامع اقدام مشترک در هیچ یک از پارلمان‌های کشورهای ۵+۱ به تصویب نمی‌رسد. حتی اقدام کنگره آمریکا در موافقت یا مخالفت با برجام معادل حقوقی تصویب آن نیست. اما واقعیت امر این است که تصمیم کنگره آمریکا در قبال برجام می‌تواند در خصلت بنیادین آن، یعنی «تعهد آور بودن بخشی از تکالیف آمریکا» خلل وارد کند. بر این اساس، اگر بیش از دو سوم اعضای دو مجلس نمایندگان و سنای آمریکا با برجام مخالفت کنند، رییس جمهور آمریکا نمی‌تواند از حق وتوی خود در قبال این دو مجلس استفاده کند و در نتیجه بخشی از تعهدات آمریکا مبنی بر لغو تحریم‌های کنگره اجرایی نخواهند شد و در نهایت توافق بر هم خورده و دستخوش تغییراتی اساسی خواهد

شد. در چنین شرایطی، کار بدون این که به مرحله اجرا برسد، به اتمام رسیده و یا در خوش بینانه ترین حالت ممکن، میز مذاکرات هسته‌ای دوباره چیده می‌شود. از این رو کنگره آمریکا، بالقوه می‌تواند «توافق نهایی» و تعهدات آمریکا در برجام را دستخوش تغییرات اساسی کند. لذا نقش آفرینی کنگره در قبال برجام مصداق عینی ورود مجلس نمایندگان و سنا به حوزه تصویب برجام می‌باشد!

اما فارغ از مباحث مذکور، آیا این امر که برجام، در پارلمان هیچ یک از کشورهای طرف مذاکره تصویب نشده، می‌تواند دست آویزی برای ایران مبنی بر عدم لزوم تصویب در حقوق داخلی باشد؟ پاسخ به این سؤال قطعاً منفی است؛ چرا که چارچوب نظام حقوق داخلی هر کشور، چارچوبی مجزا از سایر نظام‌های حقوق داخلی سایر کشورهاست و طبق حقوق ایران و اصول ۷۷، ۱۲۵ و ۱۳۹ قانون اساسی، مبین این است که تمامی عهود و مقاوله نامه‌ها که مورد تعهد حقوقی برای کشور هستند، لزوماً باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسند تا در نظام حقوقی داخلی ایران، حکم قانون را داشته باشند.

نظریه تفسیری شورای نگهبان نیز در این خصوص شایان توجه است: شورای نگهبان در تفسیر سال ۶۲ ذیل اصل ۷۷ قانون اساسی (اصل ۶۵ طرح پیش نویس) آورده است: اگر یادداشت تفاهم تعهد ایجاد کند و قراردادهای جزئی خارج از محدوده اصل قرارداد باشد، در حکم قرارداد بوده و ضوابط حاکم بر قرارداد باید در مورد آن‌ها رعایت شود. با توجه به اصالت محتوا در معاهدات، هرگونه تعهد بین‌المللی که به هر عنوانی کشور را متعهد کند، مشمول این اصول قرار می‌گیرد که باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.^۲ یعنی چنانچه برجام، ماهیتاً یک قرارداد بین‌المللی محسوب شود، قطعاً طبق اصل ۷۷ باید به تصویب مجلس برسد. این یک مدل نظارتی است که شورای نگهبان آن را مورد نظر داشته است.

۱. خبرگزاری مهر، به نقل از عباس عراقچی، ۱۲ شهریور ۱۳۹۴.

<http://www.mehrnnews.com/news/2894133>

۲. مجموعه نظریات شورای نگهبان تفسیری و مشورتی در خصوص اصول قانون اساسی با انضمام استفساریه‌ها و تذکرات ۱۳۸۰-۱۳۵۹ (۱۳۸۱)، نظریه شماره ۹۹۹۳ مورخ ۱۳۶۲/۹/۸.

۳. حسین مهرپور، مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ص ۹۹.

نتیجه گیری

از نظر نگارنده با جمع بندی همه آرا و دیدگاه‌های پیشین، رویکردی که به نظر منطقی می‌رسد، این است که با توجه به تعریف مذکور در کنوانسیون حقوق معاهدات، برجام یک معاهده نیست. از طرفی با در نظر گرفتن تعریف موافقت نامه بین‌المللی و نیز عناصر "آیین نامه چگونگی تنظیم و انعقاد توافقنامه‌های بین‌المللی" از تعریف توافق نزاکتی، می‌توان برجام را از منظر حقوق داخلی، یک موافقت نامه نزاکتی محسوب نمود؛ چرا که خود سند برجام فی نفسه تعهد ایجاد نمی‌کند؛ لکن، از آن جا که برجام موجبات اجرایی صدور قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت را برای ایران فراهم نموده و نیز در این سند، ایران، ولو به صورت داوطلبانه، خود را به پذیرش پروتکل الحاقی متعهد نموده است و از این باب، برجام تعهدآور تلقی می‌شود، و با در نظر گرفتن نظریه تفسیری شورای نگهبان که "اگر یادداشت تفاهم ایجاد تعهد کند و قراردادهای جزئی خارج از محدوده اصل قرارداد باشد، در حکم قرارداد بوده و ضوابط حاکم بر قرارداد باید در مورد آن‌ها رعایت شود"، این گونه به نظر می‌رسد که این سند که نام آن را در مذاکرات به نحو هوشمندانه‌ای "برنامه جامع اقدام مشترک" نهاده‌اند، و در مقاله حاضر، "راهکار اجرایی" بودن این سند به اثبات رسیده، به دلیل تبعات حقوقی ایجاد کننده برای کشور ایران در صحنه بین‌الملل، فارغ از نام و عنوان خاص آن و به دلیل ماهیت تعهدآوری که با مکتب تفسیری ماهوی و هدف‌گرا نیز همسو هست؛ لزوماً باید به تصویب مجلس شورای اسلامی و یا طبق رویه چند ساله اخیر داخلی و با عنایت به عناصر اصل ۱۷۶ قانون اساسی، به تصویب شورای عالی امنیت ملی و تأیید مقام معظم رهبری برسد.

با این حال، به نظر می‌رسد که این بحث همچنان مفتوح و منتظر دیدگاه‌ها و بررسی‌های حقوقی دقیق‌تر است.

منابع

الف) کتاب‌ها:

۱. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چ اول.
۲. ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۳). حقوق معاهدات بین المللی، تهران، گنج دانش.
۳. فلسفی، هدایت اله (۱۳۹۳). حقوق معاهدات بین المللی، تهران، فرهنگ نشر نو.
۴. کلییار، کلود آلبر (۱۳۶۸). نهادهای روابط بین الملل، ترجمه و تحقیق هدایت اله فلسفی، تهران، فرهنگ نشر نو.
۵. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، آرا و نظریات مشورتی دیوان بین المللی دادگستری، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
۶. محبی، محسن (۱۳۷۸). بیانیه الجزایر و دیوان داوری دعاوی ایران-ایالات متحده، تهران، نشر خط سوم.
۷. مودنیان، محمدرضا (۱۳۹۳). مجموعه نظریات شورای نگهبان تفسیری و مشورتی در خصوص اصول قانون اساسی با انضمام استفساریه‌ها و تذکرات ۱۳۵۹-۱۳۸۰ (۱۳۸۱)، تهران، مرکز تحقیقات شورای نگهبان.
۸. مهرپور، حسین، مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، دادگستر.
۹. یزدی، محمد (۱۳۷۵). قانون اساسی برای همه، تهران، امیرکبیر.

10. Fiedler, W. (1981). "Gentlemen's Agreement", Encyclopedia of Public International Law.
11. Henry Campbell Black, M.A.(1979). **Black's Law Dictionary**, the Publisher's Editorial Staff, West Publishing CO.
12. Rousseau, Charles (1944). Principe's generaux de droit international public, tome 1, Paris.

الف) اسناد حقوقی:

۱۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۱۴. کنوانسیون وین در خصوص حقوق معاهدات ۱۹۶۹
۱۵. آیین نامه چگونگی تنظیم و انعقاد توافقنامه‌های بین المللی مصوب ۱۳۷۱ هیات وزیران.
۱۶. پژوهشکده شورای نگهبان، گزارش راهبردی در خصوص ماهیت حقوقی " برنامه اقدام مشترک ژنو" (۱۳۹۲)، تهران، پژوهشکده شورای نگهبان.
17. ICJ Report in Lagrand Case, June 27, 2001.
18. Iran's Nuclear Program: Tehran's Compliance with International obligations, CRS Report R40094, by Paul K. Kerr, 11 November 2013.
19. Iran Nuclear Agreement, CRS Report R R43333, by Kenneth Katzman and Paul K. Kerr, July 30, 2015.
20. Joint Comprehensive Plan of Action Vienna, 14 July 2015
21. Guidance on Non-Binding Documents, US Department of State
22. Major Proposals to Strengthen the Nuclear Nonproliferation Treaty, Arms Control Association, A Resource Guide for the 2010 Review conference, March 2010, Cole Harvey with the ACA Research Staff
23. TREATY OF LISBON, AMENDING THE TREATY ON EUROPEAN UNION AND THE TREATY ESTABLISHING THE EUROPEAN COMMUNITY, Official Journal of the European Union, (2007/C 306/01)

ب) مقالات:

۲۴. سید محمد مهدی غمامی، علیرضا نصرالهی نصرآباد (تابستان ۱۳۹۳). تحلیل حقوقی ماهیت و اعتبار برنامه اقدام مشترک با تاکید بر اصل حاکمیت قانون اساسی، فصلنامه دانش حقوق عمومی، سال سوم.
۲۵. حدادی، مهدی (۱۳۹۲). موافقت نامه‌های نزاکتی از منظر حقوق بین الملل، مجله حقوقی بین المللی، سال سی ام، شماره ۴۸.

۲۶. کدخدایی، عباسعلی (۱۳۹۴). **برجام ایجاد تعهد می‌کند**، روزنامه اقتصادی، ۹ شهریور.
۲۷. بررسی برجام در مجلس (شهریور ۱۳۹۴). «مناقشه‌ای حقوقی» یا «ملاحظه‌ای سیاسی»؟! خبرگزاری مهر.
۲۸. قربانعلی مهری (۱۳۹۴). **بیانیه یا توافقنامه؟! مستندات قانونی**، روزنامه اعتماد.
۲۹. عباسعلی کدخدایی (۱۳۹۴). **روزنامه جام جم**.
۳۰. میرشهبیز شافع (مرداد ۱۳۹۴). **ماهیت حقوقی برجام**، همشهری آنلاین.

31. Duncan B. Hollis & Joshua J. Newcomer, "Political' Commitments and the Constitution", Social Science Research Network, p8.
32. Fitzmaurice, M & Elias, O., "Contemporary Issues in the Law of Treaties", Netherlands, Eleven International Publishing, 2005.
33. Klabbbers, J. "The Concept of Treaty in International Law", Netherlands, Kluwer Law, 1998.
34. K. Widdows, "What Is an Agreement in International Law" The British Yearbook of International Law, 1979.
35. "The Iran Nuclear Deal; a Definitive Guide", Belfer Center for Science and International Affairs, Harvard Kennedy School, August 2015.
36. Iran: EU starts implementing the Joint Comprehensive Plan of Action, European Council, Council of the European Union, Foreign affairs & international relations, 31/07/2015
37. Schachter, O., "The Twilight Existence of Nonbinding International Agreements", AJIL, vol. 71, no. 2, 1977.

ج) تارنماها:

38. <http://www.eghtesadi.org>
39. <http://hamshahrionline.ir>
- <http://www.iaea.org/40>.
41. <http://www.icj.org/>
- <http://www.irna.ir42>.
- <http://www.khabaronline.ir43>.
- <http://kouchakzadeh.blogfa.com/post-44744>.
45. <http://www.mehrnews.com>
- <http://www.state.gov46>.
- <http://www.shora-gc.ir47>.
- <http://www.un.org/press/en48>.
- <http://www.washingtonexaminer.com49>.

د) سخنرانی‌ها:

۵۰. حمید ابوطالبی، برجام بر کدامین فرجام؛ بررسی ماهیت حقوقی برجام.

۵۱. نشست برجام تا انجام، سازمان بسیج حقوقدانان، ۶ مرداد ۱۳۹۴.

۵۲. نشست بررسی ابعاد حقوقی برجام ۱۴ مرداد ۱۳۹۴.

53 Jhon Kerry: Iran deal 'not legally binding', Wednesday / September 2,
2015